

۱. مهم‌ترین نکته‌ای که در اعیاد برای ما مطرح است این است که شما می‌بینید اسلام بر اساس آن حق‌محوری، میلاد هیچ شخصی را عید معرفی نکرد روزی که مثلاً پیامبر به دنیا آمد، روزی که امامی از ائمه به دنیا آمدند که یک شخص مطرح است عید ما نیست البته مسرور هستیم، جامه نو در برمی‌کنیم؛ اما عید رسمی ما نیست زیرا روزی رسماً عید است که عده‌ای مأمور بشوند این ستون دین را نگه‌دارند و آن روز عید است روزی که نماز رسمیت پیدا کرد که جمعی با هم هماهنگ بشوند و این ستون را اقامه کنند به نام نماز عید فطر، نماز عید قربان این برای هیچ شخصی نیست و سرش آن است که دین با شخص کار ندارد با مکتب کار دارد این اصل اول.

۲. مطلب دوم آن است که چرا این دو روز را مثل روز غدیر، مثل روز جمعه به عنوان عید اعلام کردند؟ هر وقت انسان مسئولیتی داشت و از عهده آن مسئولیت به در آمد و کامیاب شد عود به مبدأ پیدا کرد رجوع به اصل خویشتن خویش کرد آن می‌شود عید چون عود کرده به اصل، رجوع کرده به اصل، عود است این می‌شود عید.

۳. ما در سال دو بار آن رجوع اصلی را داریم یکی ماه مبارک رمضان است به ما گفتند روزها روزه بگیرید شب‌ها به آن عبادات بپردازید اگر یک ماه به وظیفه انسانی‌مان آشنا شدیم و عمل کردیم و به آن اصل بازگشتیم مسرورانه روز عید فطر جشن می‌گیریم با هم آن نماز عید را می‌خوانیم عید ما است. در دهم ذیحجه بعد از اینکه حاجیان، معتمران، زائران حرم نبوی و سرزمین وحی آن وظایفشان را انجام دادند روز نهم در عرفات وقوف داشتند شب دهم روی آن شن‌های مشعر تا صبح «یا الله» گفتند، روز دهم آمدند و رمی جمرات کردند شیطان و نماد شیطانی را رجم کردند و قربانی کردند می‌شود عید که از حلق کردند و از اعمال فراغت پیدا کردند به وظیفه‌شان عمل کردند به آن اصل برگشتند می‌شود عید.

۴. یکی از اعمال حج در روز دهم ذی‌حجه الحرام این است که حیوانی را در منی قربانی کنند و این یک فریضه مسلم و دستور صریح اسلام است؛ و یکی از اسرار آن زنده کردن خاطره فداکاری بزرگ مرد الهی و قهرمان توحید، حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) است.

۵. زائران خانه خدا با کشتن گوسفندی در سرزمین «منی» خاطره اخلاص و قدرت ایمان و پایه فداکاری او را در دل‌ها زنده می‌سازند و از این رهگذر به یکدیگر درس فداکاری و جانبازی می‌آموزند و گویا عملاً چنین می‌گویند که مرد خدا کسی است که در راه خدا از همه چیز بگذرد - چنان که آن مرد بزرگ گذشت - این گوشه‌ای از اسرار قربانی روز «منی» است.

اکنون باید دید نظر اسلام در این گوشت‌های قربانی چیست و آیا مسلمانان در این باره وظیفه‌ای دارند؟ برای پاسخ این پرسش، به کتاب آسمانی خود «قرآن مجید» مراجعه کرده و می‌بینیم که سوره حج به

همه کسانی که در روز عید قربان در «منی» حیوانی را قربانی می کنند، چنین دستور می دهد: «وَ أَطْعِمُوا الْبَائِسِ الْفَقِيرَ وَ بَيْنَوَى فَقِيرٍ رَا نِيزِ اطْعَامِ نَمَائِدِ» و نیز می فرماید: «فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ؛ از آن (قربانی) خود بخورید و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید»

در رساله های عملیه دستور می دهند که زائران خانه خدا گوشت قربانی را سه قسمت کنند: بخشی از آن را خودشان استفاده کنند و بخشی را به مؤمنان و بخشی را به نیازمندان بدهند.

عید قربان درس های فراوانی دارد. یکی از آن درس ها فداکاری، ایثار و روشن شدن راز و رمز امتحان به ابتلا است. عید قربان عیدی است که خاطره ابراهیم خلیل و اسماعیل (ع) را که در سرزمین منا به وجود آمد تجدید می کند و تابلویی در تمام دورانها و زمانها برای نشان دادن آن پدر و فرزند و آن امتحان است.

چرا این امتحان و آزمایش در زندگی انسان قرار داده شده است؟ در این باره بحث بسیار و سیعی در معارف ادیان الهی به ویژه در دین اسلام وجود دارد، اما در کل امتحان یعنی این که زندگی را تا آخر ترسیم کنیم خط زندگی از ولادت تا زمان مرگ، برزخ، قیامت و تا زندگی ابدی انسان ادامه دارد. انسان باید با اندیشه و فکر رفتار و عمل خود را نشان دهد. یعنی این دنیا محلی است که ما استعدادهای خود را شکوفا کنیم و برای عالم دیگر توشه ذخیره کنیم.

نعمت و محنت مقتضی شکر است که حضرت ابراهیم (ع) آن را در زندگانی خود نشان داد که انسان چقدر می تواند بزرگ شود و خود را به خدا وصل کند. حضرت ابراهیم (ع) در سن ۹۵ سالگی پس از طی تمام آزمایشها آنچنان خود را نشان داد که خداوند ایشان را ابراهیم یعنی جد جامعه و پدر اجتماع خطاب کرد. یعنی ابراهیم پدر هستی است و شرایع آسمانی به او منتهی می شود.

ابتلا به دو گونه است امتحان در مصیبتها و امتحان در نعمتها هر دو امتحان هستند، اما امتحان در محنتها از امتحان در نعمتها آسان تر است و امتحان در نعمتها و خوبیها سنگین و مشکل است و قیام به حقوق امتحان در نعمتها گسترده و فراوان است.

در فلسفه قربانی کردن، نکته مهمی قابل توجه است که شاید غالباً مورد عنایت قرار نمی گیرد و آن این که قلمرو معرفت انسان نسبت به مصالح امور محدود است. هنگامی که ابراهیم (ع) مورد خطاب قرار گرفت که برو فرزندات را بکش، از خدا نپرسید که برای چه بکشم؟ علت کار را نپرسید. بلکه هر چه خدا گفت همان را انجام داد. بنابراین وقتی انسان کاری را در راه خدا انجام می دهد ضرورتی ندارد فلسفه اش را بداند.

این خود یک پیام معرفت شناسی است که قلمرو معرفت انسان محدود است، انسان نمی تواند به راز و رمز همه چیز پی ببرد، اگر خداوند متعال دستوری برای اجرای آن داد چون و چرا نباید کرد. البته انسان هر چه

در دستورات خداوند تأمل بیشتری کند، راز و رمز آن بیشتر کشف می‌شود ولی معنایش این نیست که اگر انسان در یک جا فلسفه دستوری را نتوانست بفهمد، از انجام آن سرباز بزند.

عمل قربانی کردن در واقع یک حکم دارد یک حکمت. حکم آن، کشتن یک گوسفند و حکمت آن با تقوا بالا رفتن. هر عملی که در آن تقرب باشد، قربانی است. این تقوا نه تنها به طرف خدا صاعد می‌شود بلکه به خدا می‌رسد و چون تقوی، وصف نفسانی روح انسان متقی است که جدای از جان انسان نیست، اگر تقوی به خدا برسد، انسان متقی نیز به خدا می‌رسد.

وقتی انسان از همه محبوب‌ها گذشت و دل را از محبت غیرخدا خالی کرد، آن وقت است که به محبوب مطلق که خداست می‌رسد «قلب المومن عرش الرحمن» دل مؤمن عرش خداست و در این جاست که انسان به عید مطلق می‌رسد. قربانی روز عید می‌تواند اشاره‌ای باشد به بالاترین مراتب تقوی که در اثر حج و نورانیت حج به آن دست یافته و آن عید لقاءالله است که برای دیدار صاحبخانه آمده است.

در روز عرفه، انسان باید به مقام والا برسد و در روز عید قربان از خدا عیدی بگیرد. این عیدی، مختص حجاج نیست و هرکس و در هر مکانی، می‌تواند به مقام حق الیقین برسد و باور او در همه اعضاء و جوارحش رسوخ کند. در این صورت، می‌تواند خود خداوند را عیدی بگیرد و سعادت دنیا و آخرت را روزی خود کند. کسی که از فاصله دور، آتش یا دود آن را نظاره می‌کند، می‌داند که آتش سوزنده است، یعنی در این خصوص، به علم الیقین رسیده است. آنکه در کنار آتش است و گرما و حرارت آن را با بدن خویش حس می‌کند، سوزندگی آتش را می‌یابد و به مقام عین الیقین رسیده است. اما مقام حق الیقین صرفاً متعلق به کسی است که درون آتش باشد و با اعماق وجود، سوزندگی آتش را باور کند.

چنین یقین و باوری، پس از برخورداری از ایمان واقعی، در سایه عمل و عبادت، روزی انسان می‌گردد. در پرتو چنین باوری، رابطه انسان با خداوند، نظیر رابطه یک چراغ با نیروگاه برق می‌شود. یعنی مخلوق چنان به خالق لایتناهی وصل می‌شود که قدرت الهی پیدا می‌کند. خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: بنده من، تو مرا اطاعت کن، آنگاه همان‌طور که من هرچه بخواهم همان می‌شود، تو هم هرچه بخواهی همان خواهد شد. در روز عرفه، انسان باید به این‌گونه مقام‌ها برسد و در روز عید قربان از خدا عیدی بگیرد.